

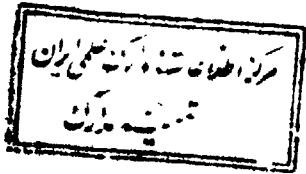
اسکن شد  
تاریخ: ۱۴، ۱۱، ۸۰  
توسط:

۲۹



۲۷۹۷

بسم الله الرحمن الرحيم



بررسی زامیاد یشت  
آوانویسی، برگردان، یادداشتها، واژه نامه

بوسینه  
حسین نجاری

پایان نامه

ارائه شده به دانشکده تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از فعالیتهای  
تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته  
فرهنگ و زبانهای باستانی ایران  
از  
دانشگاه شیراز  
شیراز، ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه عالی  
امضای اعضای کمیته پایان نامه

دکتر محمودرضا دستغیب بهشتی

استادیار فرهنگ و زبانهای باستانی ایران (ریس کمیته):

دکتر محمود طاووسی

استاد فرهنگ و زبانهای باستانی ایران:

دکتر گلنار قلعه خانی

استادیار فرهنگ و زبانهای باستانی ایران:

دی ماه ۱۳۷۸

۲۷۹۹۷

به:

## پدرم و مادرم

که شمع وجودشان روشنی بخش راهم بوده و هست

و

## خواهرانم و برادرانم

که دلگرمیم از ایشان است

و

دیگر عزیزانی که دوستشان دارم.

## سپاسگزاری

به نام او که سرآغاز همهٔ آغازها و سرانجام همهٔ انجامهاست

نقش بستم رُخ زیبای تو بر خانهٔ دل      خانه ویران شد و این نقش به دیوار بماند

اکنون که این پژوهش به سرانجام رسیده است، وظیفهٔ خود می‌دانم از زحمات بی‌دریغ و ارزشمند استاد ارجمند و دانشمندم جناب آقای دکتر محمودرضا دستغیب بهشتی که بسیار عالمانه، دقیق و دلسوزانه راهنمایی این پژوهش را عهده‌دار بودند، تشکر نمایم. بی‌تردید شاگردی محضر این استاد بزرگ‌منش از افتخارات ارزشمند زندگانی من است.

بر خود لازم می‌دانم که مراتب قدردانی و سپاس خود را از جناب آقای دکتر طاووسی ابراز نمایم؛ استاد بزرگواری که در مقام مشاورهٔ ارزشمند، زحمت مطالعهٔ این پژوهش را تقبل فرموده، نقطه‌نظرات مفید خود را در جهت بهبود کار ارائه نمودند.

از استاد گرامی، سرکار خانم دکتر قلعه‌خانی، که مدیون زحمات ایشان در دوران تحصیل هستم و مشاور من در این پژوهش نیز بودند، قدردانی می‌نمایم.

همچنین شایسته است که مراتب سپاس و درود خود را نسبت به سرکار خانم مریم انصاری که محبت فرموده، زحمت ویرایش ادبی این پژوهش را به بهترین وجه، تقبل نمودند، ابراز نمایم. بعلاوه از دوستان گرامی؛ آقای نبی‌زاده و خانم مظلوم که حروفچینی و صفحه‌آرایی این پژوهش را به انجام رسانیدند، سپاسگزاری می‌نمایم.

## چکیده

بررسی زامیاد یشت  
آوانویسی، برگردان، یادداشتها، واژه‌نامه

بوسیله

حسین نجاری

تغییر و تحول زبانی، مانند همه پدیده‌های اجتماعی دیگر، امری اجتناب‌ناپذیر است. زبان فارسی امروز، شکل تحول یافته‌ای از زبانهای کهن ایران باستان است و زبان فارسی باستان و اوستایی متعلق به دوره باستان از تحول تاریخی زبان فارسی هستند. اوستا، کتاب مقدس زردشتیان، تنها مکتوبی است که بیانگر سیر تحول صرفی و نحوی زبان فارسی است.

اهمیت بررسی اوستا، تنها به مطالعه اشتقاق واژگان زبان فارسی محدود نمی‌گردد بلکه از دیدگاه فلسفی، دین‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، اسطوره‌شناسی و ... نیز ارزشمند می‌باشد.

این پژوهش، با تکیه بر دانش اوستایی، به بررسی یشتی کهن، حماسی و بسیار دلکش از مجموعه یشت‌های اوستا پرداخته و از دو جنبه حایز اهمیت است: نخست از دیدگاه زبان‌شناسی، بیانگر سیر تحول صرفی و نحوی واژگان زبان فارسی است. دیگر اینکه، با پرداختن به موضوع فرّکیانی که همانا عبارت از فروغ، شکوه و بزرگی و اقتدار مخصوصی است که از سوی اهورامزدا به پیامبر و کیان و پادشاهان و پهلوانان اعطاء می‌گردد و تجلی ظاهری آن نورانی بودن صورت شخص فرهمند است؛ تاریخچه و سیر انتقال این بارقه ایزدی را از اهورامزدا بررسی نموده و پس از پرداختن به شاهان پیشدادی و کیانی و ایزدان و پهلوانان آیین مزدیسنا تا رسیدن به سوشیانت‌های آیین زردشت و استوت ارته (آخرین نجات‌بخش آیین زردشت) پی‌گیری نموده است.

زامیاد یشت دارای پانزده کرده (فصل) و نود و شش بند بوده، به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود: بندهای یک تا هشت فهرستی از کوههای ایران زمین است که رابطه آن با فرّکیانی در اساطیر چین نیز بررسی شده است. در بندهای نه تا نود و شش نیز به ستایش فرّ پرداخته شده است. این یشت با سیستم ارتباط دارد. همچنین، زمینه‌ای ارزشمند برای شناخت بهتر شیوه تفکر ایرانیان باستان، آشنایی با فرهنگ کهن و مباحث اسطوره‌ای و حماسی را ارائه می‌نماید.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اوّل : مقدمه
۱	۱-۱ : زبان اوستایی
۲	۱-۱-۱ : اشتقاق واژه "اوستا"
۳	۲-۱-۱ : مندرجات اوستا
۹	۳-۱-۱ : تاریخچه مطالعات اوستایی
۱۲	۲-۱ : فرّکیانی
۱۴	۱-۲-۱ : درباره زامیادیش
۱۹	۳-۱ : روش تحقیق
۲۱	فصل دوّم : متن اوستایی
۳۹	فصل سوّم : آوانویسی
۶۱	فصل چهارم : برگردان زامیادیش
۸۰	فصل پنجم : یادداشتها
۱۳۷	فصل ششم : واژه‌نامه بسامدی
۲۱۵	کتابنامه فارسی
۲۱۶	کتابنامه لاتین

صفحه چکیده و صفحه عنوان به زبان انگلیسی

## فصل اول

### مقدمه

#### ۱-۱: زبان اوستایی

زبان اوستایی یکی از شاخه‌های زبانهای هندی و ایرانی است. زبانهای ایرانی و هندی با یکدیگر شاخه‌های هند و ایرانی زبانهای هند و اروپایی را تشکیل می‌دهند. از شاخه زبانهای هندی به زبان سانسکریت و از شاخه ایرانی در دوره باستان به زبانهای "فارسی باستان" و "اوستایی" آثاری مکتوب وجود دارد.

کتاب دینی زردشتیان اوستا نام دارد و بدین جهت زبانی را که این کتاب بدان نوشته شده است اوستایی نامیده‌اند. جز کتاب اوستا و آثار وابسته به آن هیچ اثر دیگری به این زبان در دست نیست و در خود کتاب اوستا، اشاره‌ای به نام اصلی این زبان نشده و حتی کلمه اوستا نیز در متون اوستایی نیامده است. از بررسیهای زبان‌شناسی و مقایسه زبان اوستایی با فارسی باستان از سویی، و مقایسه این زبان با زبانهای شرقی دوره میانه از سوی دیگر، مسلم است که زبان اوستایی متعلق به مشرق ایران بوده است و امروزه بیشتر دانشمندان معتقدند که این زبان به نواحی آسیای میانه، احتمالاً به ناحیه خوارزم، تعلق داشته و منظور از ایرانویج مذکور در اوستا همین ناحیه بوده است، گرچه بعضی دانشمندان دیگر، نواحی دیگری مانند سیستان، شمال خراسان (مرو - بلخ) را نیز پیشنهاد کرده‌اند. بنا به روایت اوستا و کتابهای پهلوی، همه مطالب این کتاب را "اورمزد" به "زردشت" الهام و ابلاغ کرده است. در مورد زمان زردشت و در مورد زمان قدیمترین بخش‌های اوستا به یقین نمی‌توان اظهار نظر کرد. به احتمال زیاد، وی در حدود ۱۰۰۰ پیش از میلاد می‌زیسته است. در این زمان سلسله‌ای به اسم کوری (یاکی و جمع آن کیان

به زبان پهلوی) از اهالی سیستان بر ایرانویج فرمانروایی می‌کردند که آخرین شاه آن "وشتاسپه" (= گشتاسپ) نام داشته است. زردشت در زمان وی ظهور کرد و دین خود را بر او عرضه داشت. همهٔ اوستا از نظر زبان یکدست نیست. بعضی قسمت‌ها دارای سبکی کهنه‌تر و از نظر دستوری دارای زبانی است که با قواعد دستوری صحیح اوستا بیشتر مطابقت دارد، هرچند، در برخی بخشها قواعد دستوری چندان مراعات نشده است. علت تفاوت زبانی میان متون اوستایی را می‌توان به دو عامل نسبت داد؛ یکی اینکه قدمت بعضی از آثار بیشتر از دستهٔ دیگر است و دیگر اینکه شاید اختلاف لهجه میان این دو دسته آثار وجود داشته است.

#### ۱-۱-۱: اشتقاق واژه «اوستا»

دربارهٔ اشتقاق واژه "اوستا" نقطه نظرات متفاوتی ابراز شده است:

جکسون (Jackson) معتقد است که واژه اوستا (Avesta) از اصطلاح Avistāk که در پهلوی دوره ساسانی به کار می‌رفت انتخاب شده است. ولی درباره اشتقاق و معنی دقیق آن به طور یقین اظهار نظر نمی‌کند و Avistāk پهلوی را به مانند ودا (Vēda) در سنسکریت به مفهوم "دانایی، دانش و یا کتاب دانش" و شاید به مفهوم "متن اولیه، کتاب مقدس و یا کتاب قانون" می‌داند.<sup>(۱)</sup>

کریستین بارتولومه (Christian Bartolomeh) در کتابی که به عنوان مکمل فرهنگ واژه‌های فارسی باستان تحت عنوان "Zum Altiranisches Wörterbuch" نوشته است، واژه اوستا را با توجه به واژه پهلوی apastāk، مشتق از upa-stav-ak از ریشه فعلی vstav به معنی ستودن می‌داند.<sup>(۲)</sup>

گروهی نیز به صورت علی‌الرسم واژه apastāk فارسی میانه را مشتق از upa-stā-ka از ریشه vstā به معنی "ایستادن" یا به صورت تحت‌اللفظی "اساس و پایه" می‌دانند.<sup>(۳)</sup>

1- Jackson, A. V. Williams (1892); "An Avesta Grammar", P. xii .

۲- آرانسکی، ای، م.، مقدمه فقه‌اللغة ایرانی، ترجمه کریم کشاورز، ص ۶۷.

۳- همان کتاب، ص ۶۷.



چینمی دات (Chinmay Dutt) برای واژه Avistāk فارسی میانه دو اشتقاق حدس زده است:

الف:  $avistāk < ava + stā$  : به مفهوم "آنچه که بنا شده است".

ب:  $ā + vista$  که  $vista$  اسم مفعول از ریشه  $vvaēd$  به مفهوم "دانستن" است و اوستا را "آنچه را که دانسته شده است" و یا "علم" معنی کرده است.<sup>(۱)</sup>

هنریک سامویل نیبرگ (Henrik Samuel Nyberg) اشکال مختلف واژه اوستا را اینگونه ثبت کرده است: در فارسی میانه:  $Avistāk$ ,  $apastāk$ ، در پازند:  $awastā$  و در سانسکریت:  $avesta-vāc$  یا  $avista-vāc$ . وی بهترین اشتقاق را  $oIr *upa-stā <$  که توسط آندره یاس (F.C. Andreas) ابراز شده است، می‌داند.<sup>(۲)</sup>

با توجه به همه اشتقاقات واژه اوستا که در بالا بدانها اشاره شد و سایر ریشه‌های لغوی که توسط اوستاشناسان مشهور برای واژه اوستا در نظر گرفته‌اند، تاکنون از دیدگاه ریشه‌شناسانه مفهوم آن به یقین اثبات نشده است.

#### ۱-۱-۲: مندرجات اوستا

اوستایی که اکنون در دست است تنها یک چهارم کتابی است که در دوره ساسانیان وجود داشته است. اوستای موجود شامل متونی است که خصوصاً در مراسم دینی و عبادی از آنها استفاده می‌شود و آنرا به پنج بخش تقسیم می‌کنند: یسن‌ها، ویسپَرَد، وندیداد، یشت‌ها و خُرده‌اوستا. از سوی دیگر متون اوستایی را براساس ویژگی‌ها و قدمت زبانی می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: (۱) متون گاهانی (۲) متون اوستایی متأخر

متون گاهانی شامل گاهان (= گاتاها)، یسن‌های هپتنگه‌ایتی (Haptañhāiti) و چهار دعای مذکور در یسن ۲۷ ("اهونه وئیرییه:  $ahuna vairya$ "، "آشم وهو:  $ašəm vohu$ "، "اُئیریمه ایشیو:  $airyma išyu$ " و "ینگه‌هاتام:  $yeñhe hātām$ ") می‌باشد. سراینده گاهان خود

1- Dutt, Chinmay (1973) "Selection from Avesta and Old Persian", P. xiii.

2- Nyberg, Samuëll Henrik, (1974) "A Manual of Pahlavi", P. 24.

زردشت است و مشتمل بر ۱۷ سرود است که در اوستای کنونی در میان یسن‌ها قرار دارد و یسن‌های ۲۸ تا ۳۴ و ۴۳ تا ۵۱ و ۵۳ را تشکیل می‌دهند. این سرودها نه تنها از نظر ادبی، بلکه از نظر در برداشتن تفکرات نوین آن روزگاران اهمیت بسزایی دارد و نشان‌دهنده عقاید اصلی زردشت است. در گاهان خدای مطلق اهورامزداست و جلوه‌های خاص او امشاسپندان هستند و در مقابل، روح مخرب و یا اهریمن قرار دارد. از نظر ساختمان، شعر گاهانی شباهتی به اشعار ودایی دارد.

هپتنگه‌ای: یا یسن‌های هفت فصل، یسن‌های ۳۵ تا ۴۱ را تشکیل می‌دهد و به نثر است و پس از گاهان قدیمترین بخش اوستاست.

اوستای متأخر شامل قسمتی از یسن‌ها، ویسپرد، خرده اوستا (نیایش، گاه، سی‌روزه، آفرینگان)، یشت‌ها، وندیداد، هادخت‌نسک، اوگمندیچا، ویتانسک، آفرین پیغامبر زردشت و وشتاسپ (= گشتاسپ) یشت است. و پنج ششم از کتاب دینی زردشتیان را تشکیل می‌دهد. در این بخش‌های اوستا با دین زردشتی متأخرتر روبرو هستیم. پس از زردشت، و شاید در همان زمان او، بسیاری از عقاید قدیم ایرانی که در نیایش‌ها و آیین‌های دینی خدایان قدیم منعکس بود، همراه با اسطوره‌ها و افسانه‌های این خدایان یا آیین‌های دینی پیش از زردشت با عقاید این پیامبر در آمیخت و از آن متون اوستایی متأخر حاصل شد.

ویژگی‌های اثر به صورت کنونی خود، نشان می‌دهد که یک گردآوری از منابع مختلف است. کتاب پهلوی دینکرد از دو نسخه کامل اوستا سخن می‌گوید که اینها شامل ۲۱ نسک (کتاب) است. یکی از آنها، آنطور که ارداویراف می‌گوید، در خزانه پرسپولیس قرار داشت، و در حمله اسکندر به ایران در آتش سوخت و از میان رفت. نسخه دیگر، به طور ضمنی به دست یونانیان از میان رفت. هر کدام از این ۲۱ نسک، دارای نامی شد که با یکی از ۲۱ کلمه "اهونه" و تیریه "که مهمترین دعای پارسیان است، مطابقت دارد. مطابقت آن، این اندیشه را به دست می‌دهد که اوستای اصلی تا چه حد گسترده بوده است. مطالب مندرج در اوستا را می‌توان چنین خلاصه نمود: نسک ۱ (بیست و دو بخش)، در مورد پرهیزگاری و پاکدامنی؛ ۲ (مانند بخش‌های بیست و دو)، آیین‌های دینی؛ ۳ (بیست و دو بخش)، دین مزدیسنا و تعالیم آن؛

۴ (سی و دو بخش)، این جهان و آن جهان، رستاخیز و داوری؛ ۵ (سی و پنج بخش)، ستاره‌شناسی؛ ۶ (سی و دو بخش)، اعمال مذهبی و شایستگی به دست آمده؛ ۷ (پنجاه بخش پیش از اسکندر، و سیزده بخش باقی مانده از آن)، عمدتاً از لحاظ کیفیت سیاسی و اجتماعی؛ ۸ (شصت بخش پیش از اسکندر، و دوازده بخش باقی مانده)، حقوقی؛ ۹ (شصت بخش پیش از اسکندر، پانزده بخش بعدی باقی مانده)، دین و ارتباط عملی آن با انسان؛ ۱۰ (شصت بخش پیش از اسکندر، و فقط ده بخش آن باقی مانده)، گشتاسپ شاه و دین او، تأثیر زردشت؛ ۱۱ (در اصل بیست و دو بخش، شش بخش باقی مانده بعد از اسکندر)، دین و ارتباط عملی آن با انسان؛ ۱۲ (بیست و دو بخش)، حقایق جسمانی و معنوی فرشگرد؛ ۱۳ (شصت بخش)، اعمال پرهیزگاران، و طرحی از کودکی زردشت؛ ۱۴ (هفده بخش)، درباره اورمزد و فرشتگان؛ ۱۵ (پنجاه و پنج بخش)، ازدواج با محارم، اصول عقاید دینی؛ ۱۷ (شصت و چهار بخش)، پادافره‌های اخروی، ستاره‌شناسی؛ ۱۸ (پنجاه و دو بخش)، عدالت در آزمایش توانایی، در مورد رستاخیز، و نابودسازی اهریمن؛ ۱۹ (وندیداد، بیست و دو بخش که مانده است)، درباره ناپاکی و طهارت؛ ۲۰ (سی بخش)، درباره نیکی؛ ۲۱ (سی و سه بخش)، نیایشهایی برای اورمزد و فرشتگان.

کتاب اوستا تا مدتها اساساً سینه به سینه حفظ می‌شد. احتمالاً در دوره اشکانی، در زمان بلاش اول، یا در اوایل ساسانی کوشش شد که آن را به خطی از نوع خطوط مشتق از آرامی متداول در ایران، مانند خط پهلوی بنویسند. بدین ترتیب براساس خط پهلوی، که گاهی اوقات ابهام‌برانگیز بود، خطی دقیق را اختراع کردند. خط موجود اوستایی دارای ۵۳ حرف است و از کاملترین خطوط جهان می‌باشد.

اوستای امروزی به بخشهای زیر تقسیم می‌شود:

یسن‌ها: به معنی "پرستش و نیایش" و از ریشه فعلی *vyaz*: "ستایش کردن" می‌باشد و از نظر اشتقاق لغوی با کلمات جشن و ایزد فارسی امروزی هم ریشه است. همان طوری که گفته شد، گاهان و یسن‌های هفت فصل در میان یسن‌ها قرار دارند. بنابراین، با محاسبه این بخشها، تعداد یسن‌ها، ۷۲ تا است. که هر فصل آن را "ها" یا "هات" (*hāiti*) گویند. همه یسن‌ها را دو روحانی،

با عنوان زوت و راسپی، در مراسم دینی یَزش که طی آن شیره گیاه مقدّس هوم فشرده می‌شود و با شیر دعا خوانده مخلوط می‌شود، می‌خوانند.

ویسپرد: که معادل اوستایی آن *vīspērataṽō* به مفهوم "تمام ردان (= سرکرده، سرور)" است و از بیست و چهار کرده (*karde*) یا فصل تشکیل می‌شود. این بخش از اوستا در موضوع و نگارش همانند یسن‌ها می‌باشد و شامل دعاهای کوتاهی در ستایش و نیایش روان، پارسایان و پاکان و تمامی آفرینش نیک و اهورامزداست. برخی از اوستاشناسان عقیده دارند که ویسپرد در اصل بخش جداگانه‌ای از کتاب اوستا نبوده بلکه بخش مکمل یسن‌ها بوده است. ویسپرد همراه با یسن‌ها و خصوصاً در مراسم دینی نوروز و گاهنبارها (: جشن‌های شش‌گانه فصلی) خوانده می‌شود.

یشت‌ها: یشت از نظر لغوی هم‌ریشه با کلمه یسن و از ریشه *vīyaz* می‌باشد و معنی تحت‌اللفظی آن نیز "پرستش و نیایش" است. یشت‌ها سرودهایی هستند که عموماً به ستایش خدایان قدیم ایرانی مانند مهر، ناهید، تیشتر و ... اختصاص دارند. بیست و یک یشت در دست است؛ به این نامها: ۱- هُرمَزَد (= اورمزد) یشت، ۲- هفت تن (= امشاسپندان) یشت، ۳- اردیبهشت یشت، ۴- خرداد یشت ۵- اردویسور (= آبان، ناهید) یشت، ۶- خورشید یشت، ۷- ماه یشت، ۸- تیشتر (= تیر) یشت، ۹- درواسپ (= گوش) یشت، ۱۰- مهر یشت، ۱۱- سروش یشت، ۱۲- رَشن یشت، ۱۳- فروردین یشت، ۱۴- بهرام یشت ۱۵- وایو (= رام) یشت، ۱۶- دین (= چیستا) یشت، ۱۷- آشی (= آرد) یشت، ۱۸- اَشتاد یشت، ۱۹- خَرّه (= کیان، زامیاد) یشت، ۲۰- هوم یشت و ۲۱- وَنَند یشت. هر یشت از چندین فصل تشکیل می‌شود که به هر فصل آن "کرده" (*karde*) گویند و هر "کرده" چندین بند را در بر دارد. همه یشت‌ها از نظر قدمت یکسان نیستند. از میان آنها یشت‌های ۱ تا ۴ و ۱۲ و ۱۸ و ۲۰ به بعد در زمان نسبتاً متأخرتری تألیف شده‌اند، اگرچه بعضی از آنها مطالب بسیار قدیم‌تری را در بر دارند. از میان یشتها، ناهید، تیشتر، مهر، فروردین، آزد و زامیاد به حق یشت‌های بزرگ نامیده شده‌اند. نام بعضی از یشت‌ها با مضمون آنها مطابقت ندارد. مثلاً اَشتاد یشت درباره فرّه ایرانی (یا آریایی) و زامیاد یشت (مشتق از زَم = زمین) درباره فرّه کیانی است. همچنین رام یشت

درباره ویو (ایزد هوا و فضا) است. از دیگر مشخصات ساختاری یشت‌ها، قرینه‌سازی‌ها در نقل روایت‌های اساطیری و حماسی است، مثلاً جدال تیشتر با دیواپوش در یشت ۸ یا ستیز آتش و اژی‌دهاک بر سر بدست آوردن فرّه در یشت ۱۹. داستانهایی که در یشت‌ها آمده، غالباً کوتاه‌اند و فقط اشاره‌ای به آنها شده است، زیرا مخاطبان همه آنها را می‌دانسته‌اند. مثلاً داستان آرش که در تیشتر یشت (بند ۶) تنها در تشبیهی بدان اشاره شده است، اما روایت کامل‌تر آنرا در مآخذ پهلوی و فارسی در دست داریم.

تفاوتی که یشت‌ها با یسن‌ها دارند در این است که نمازها و دعاها در یسن‌ها به ایزد خاص اختصاص ندارد و دعاها به صورت عمومی برای مراسم دینی است، اما یشت‌ها مجموعه سرودها و نیایش‌هایی است که به ایزد خاص اختصاص دارد.

یشت‌ها منابع ارزشمندی هستند که درباره اسطوره‌های ایران باستان اطلاعات باارزشی را در اختیار ما قرار می‌دهد و ما می‌توانیم چگونگی سیر تحوّل، شکست و دگرگونی اسطوره‌ها و همچنین انتقال اسطوره از فرهنگی به فرهنگ دیگر را دریابیم.

وندیداد (Vi.daēvō.dāta) به معنی "قانون ضد دیو" است. "دیو" در اصل به معنی خدا بوده است یعنی آن دسته خدایان هند و ایرانی که زردشت آنها را مطرود دانسته است. بعدها در دوره ساسانی، که "دیو" از معنی اصلی خود که "خدا" و سپس "خدای مطرود" است به معنی "شیطان، عفريت" درآمد، در هنگام تدوین و تقسیم اوستا به نسک‌ها، این بخش از این کتاب را، که درباره آیین پاکی و طهارت و دوری از پلیدی دیوان است، به این نام خواندند. وندیداد تنها نسک اوستای دوره ساسانی است که به صورت کامل به دست ما رسیده است و نوزدهمین نسک به شمار می‌رفته است.

وندیداد مجموع قوانین طهارتی و گناهان و جرائم و تاوان آنهاست که به صورت سؤال و جواب تدوین شده و دارای ۲۲ "فرگرد" (fragard) یا فصل می‌باشد. به منظور سندیت بخشیدن به مطالبی که الزاماً عقاید شخص زردشت نیست، سئوالات از زبان وی خطاب به اهورامزدا مطرح شده و اهورامزدا به آنها پاسخ گفته است. مطالبی متفاوت هم در این کتاب وجود دارد و مثلاً فصل اول درباره سرزمینهای گوناگونی است که اهورامزدا آفریده و

آفت‌هایی که اهریمن در آنها بوجود آورده است و فصل دوم داستان جمشید و طوفانی است که در جهان اتفاق افتاده و قلعه‌ای که جمشید برای حفظ آفریدگان اورمزد ساخته است. از نظر دستور زبان، متن وندیداد غالباً تحریف شده است و دارای اشکالات دستوری فراوانی است. تألیف وندیداد را معمولاً به دوره پس از هخامنشیان نسبت می‌دهند. گرچه مطالب آن بسیار کهنه‌تر از این زمان و حتی کهنه‌تر از زمان زردشت است.

خرده اوستا (یا اوستای کوچک): مجموعه‌ای است از دعاهای کوتاه خاص مردم عادی زردشتی که آنها را در موقعیت‌های خاصی می‌خوانند، در برابر دعاهایی که خواندن آنها در مراسم دینی خاص روحانیان است. نام این کتاب فقط بصورت پهلوی آمده است. و دربارهٔ زمان دقیق تدوین آن نمی‌توان اظهار نظر کرد. تدوین خرده اوستا به "آذرباد مَهْرَسپندان"، موبدان موبد، زمان شاپور دوم ساسانی (۳۰۹ تا ۳۷۹ میلادی)، نسبت داده شده است. مهمترین بخش‌های خرده اوستا عبارتند از: نیایش (نام پنج دعا به نام خورشید و مهر و ماه و آب و آتش است که هر یک از آنها در مواقعی از روز یا ماه باید خوانده شود). گاه (شامل ادعیه‌ای است که در پنج هنگام شبانه‌روز باید خوانده شود). سی روزه (شامل دعاهایی است که هر یک متعلق به یکی از سی ایزدی است که سی روز ماه به نام آنهاست. دو سی روزه، به نامهای سی‌روزهٔ بزرگ و کوچک، در دست است). آفرینگان (دعاهایی است که همراه با اهدای نذورات می‌خوانند. چهار آفرینگان در دست است: آفرینگان دَهْمَان، آفرینگان گاهان، آفرینگان گاهنبار، آفرینگان ریثوین). همچنین سه دعای معروف زردشتی (آهونَوْر، اَشْم و هُو و ینگه‌هاتام)، سروش باژ (دعای خاص ایزد سروش) و هوشبام (دعایی در ستایش سپیده‌دم) را نیز در بر دارد.

علاوه بر قسمتهای پنج‌گانه فوق‌الذکر، برخی از متنهای دینی وجود دارند که در آنها عبارتها و قطعه‌های کوتاه اوستایی دیده می‌شود، که هر چند از نظر زبانی آشفته و غالباً نادرست هستند، اما باید آنها را در ردیف متنهای اوستایی جدید شمرد. از این گروه "هاذخت نَسک" (= همراه گفته شده)، "هیربدستان و نیرنگستان"، "اَوِگَمَدِیچَا" (= بر زبان می‌آوریم، بیان می‌داریم)، و یثانَسک (= دانش)، آفرین پیغامبر زردشت و وشتاسپ (گشتاسب) یشت را می‌توان نام برد.

### ۱-۱-۳: تاریخچه مطالعات اوستایی

قدمت مطالعات اوستایی، به عنوان یکی از زبانهای اصیل آریایی، به نیمه قرن پانزدهم میلادی برمی‌گردد. اولین کسی که در این باره تحقیق کرد "بارنابه بریسون" (Barnabe Brisson) بود که در سال ۱۵۹۰ کتاب خود با نام (De Persarum Principatu) را در پاریس منتشر کرد. جهانگردان فرانسوی، انگلیسی و ایتالیایی که بعدها به شرق سفر کردند، برخی اطلاعات در مورد دین و سنتهای ایرانیان را به آن افزودند. از جمله می‌توان آثار "پیتر دولاوله" (Pietro della valle) (۱۶۲۰)، "هنری لُرد" (Henry Lord) (۱۶۳۰)، "مندلزو" (Mandelso) (۱۶۵۸)، "تاورنیه" (Tavernier) (۱۶۷۸)، "شاردن" (Chardin) (۱۷۲۱) و "دوشینو" (Duchinon) را نام برد. اما مهمترین اثر، کار دانشمند برجسته آکسفورد، "توماس هاید" (Tomas Hyde) (۱۷۰۰) بود. این کتاب به زبان لاتینی و تحت عنوان (Historia Religionis Veterum Persarum) بود. این کتاب از روی نوشته‌های رومی، ایرانی، عربی و یونانی جمع‌آوری شده بود.

کتابخانه "بودلین" (Bodleian) در آکسفورد نخستین کتابخانه‌ای بود که در سال ۱۷۲۳ اولین نسخه دستنویس اوستا را بدست آورد. "آنکتیل دو پرون" (Anquetil Du Perron) (۱۸۰۵-۱۷۳۱) با سفری به هندوستان و آموختن زبان اوستایی از موبدان، در هنگام بازگشت به موطن خویش مجموعه‌ای از متنهای اوستا را با خود به همراه آورد و در سال ۱۷۷۱ اولین ترجمه اوستا را در کتابی بنام "زند - اوستا"<sup>(۱)</sup> در پاریس منتشر کرد.

در سال ۱۸۲۶ "امانوئل راسک" (Emmanuel Rask) دانمارکی با تحقیق بر روی متون اوستایی و سانسکریت برای اولین بار خویشاوندی زبان اوستایی و سانسکریت را مطرح کرد. از دانشمندانی که در راه شناساندن متنهای اوستایی و تحقیق بر روی اصول آواشناسی، اشتقاق، دستور این زبان گامهای ارزنده‌ای برداشتند، می‌توان "نیکولا وسترگارد" (N.L. Westergaard) "اوژین برنوف" (Eugene Burnouf) و "اشپیگل" (Fr. Spiegel) را نام برد. "اشپیگل" با ترجمه کامل اوستا و به شیوه مقایسه با تفسیرهای فارسی میانه و

---

1- Zend - Avesta, ouvrage de zoroastre, Vol. III, Paris, 1771.